

نظارت همه‌جانبه بر شوراهای حل اختلاف

■ **مهر: ۵ مرداد ۸۴**، رییس شوراهای حل اختلاف استان تهران: باید به طور دقیق بر عملکرد شوراهای حل اختلاف نظارت شود.

اعضای شوراهای حل اختلاف بیشتر از اعضای قضات هستند

■ **فروردین ۸۷**،رییس قوهقضاییه درباره اهمیت فعالیت شوراهای حل اختلاف تاکید دارد که با وجود مخالفت اعضا که معتقد بودند قضاوت باید در دستگاه قضایی صورت بگیرد ما در سراسر حل اختلاف را راهاندازی کردیم و این امر بعد از اجرا به سرعت آثار خوشتر را نشان داد و در حال حاضر بحث شورای حل اختلاف یکی از نقاط قوت قضایی ما است که معتقدیم باید در حوزه‌های دیگر نیز این روند ادامه یابد ما در بحث شوراهای، شورای حل اختلاف را به وجود آوردیم که بسیار تاثیر گذار بوده طوری که در حال حاضر صدهزار نفر عضو شورای حل اختلاف هستند و این در حالی است که اعضای قضات ما هشت‌هزار نفر بیشتر نیستند. به گفته آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی، ۵۰ الی ۶۰درصد پرونده‌ها توسط شوراهای حل اختلاف رسیدگی می‌شود و با ادامه این روند که نسبت به آن بسیار امیدواریم تا هفت الی هشت سال دیگر ۹۰درصد پرونده‌ها در شوراهای حل اختلاف رسیدگی خواهد شد و امیدواری روزی نباید که نیازی به قاضی و دادگاه نباشد. مسایلی که جامعه قضایی پیچیده‌ای ندارند از این راه رسیدگی شده و کمک بزرگی برای ما است که اغلب کشورها چنین سیستمی را دارند و ما در مطالعاتمان از قانون انگلستان موردی اینچنینی را با اندک اختلاف دیدیم که بسیار جالبگو بوده است.

رسیدگی به ۶۰درصد پرونده‌ها در شوراهای حل اختلاف

■ **مهر : اسفند ۸۷**، آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی، رییس قوهقضاییه سیاست حل و فصل مراجعات بر اساس صلح و سازش و قضا‌زدایی را مهم برشمرد و افزود: امروز ۶۰درصد پرونده‌ها در شوراهای حل اختلاف رسیدگی می‌شود. تشکیل شوراهای حل اختلاف و رسیدگی به دعاوی مردم بر اساس صلح و سازش و سیاست قضا‌زدایی تشییه شده است و باید گفت امروز بیش از ۶۰درصد پرونده‌ها از طریق صلح و سازش و شوراهای حل اختلاف رسیدگی می‌شود.

شوراهای حل اختلاف صلاحیت رسیدگی اولیه به دعاوی را دارند

■ **مهر: ۲۶ فروردین ۸۸**، با تصویب نمایندگان مجلس شورای اسلامی، هیات‌های حل اختلاف مالیاتی، هیات‌های حل اختلاف ثبتی و شوراهای حل اختلاف صلاحیت رسیدگی نخستین در دعاوی را دارند. در جلسه علنی روز چهارشنبه مجلس لایحه الحاقی یک تبصره به ماده ۱۰۰ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ مورد بررسی قرار گرفت و کلیات آن به تصویب رسید. بر اساس مصوبه مجلس هیات‌ها و کمیسیون‌های حل اختلاف و رسیدگی به تخلفات از قبیل شوراهای حل اختلاف موضوع ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، هیات‌های حل اختلاف مالیاتی موضوع قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶، هیات حل اختلاف ثبتی در موضوع مواد ۱۴۷ و ۱۴۸ قانون ثبت اسناد و املاک و کمیسیون‌های مواد ۵۵، ۵۷، ۱۰۰ و ۱۰۱ بر داری‌ها که از قوانین مختلف پیش‌بینی شده‌اند از مصادیق (مرجع دیگری) در ماده ۱۰ قانون آیین دادرسی بوده و صلاحیت رسیدگی نخستین در دعاوی را طبق مقررات دارا هستند.

امید رسیدگی به ۹۰درصد پرونده‌ها در شوراهای حل اختلاف

■ **مهر: ۸ تیر ۸۸**، بر اساس اعلام معاونت حقوقی و توسعه قضایی، از زمان تشکیل شوراهای حل اختلاف در کشور بالغ بر ۲۰میلیون پرونده در این نهادهای شبه قضایی مورد رسیدگی قرار گرفته است و این امر نشان از نتایج قابل قبول حاصل از اجرای این سیاست در دستگاه قضایی کشور است. آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی همواره بر سیاست حل و فصل مراجعات بر اساس صلح و سازش و ارجاع پرونده‌هایی با حساسیت کمتر به شورای حل اختلاف تاکید کرده تا راه برای اجرای کاسته شدن حجم بالای ورودی پرونده‌ها به محاکم قضایی باشد. این در حالی است که هم‌اکنون ۵۰ الی ۶۰درصد پرونده‌ها توسط شوراهای حل اختلاف رسیدگی می‌شود و مسوولان عالی قضایی امید دارند تا هشت سال آینده، ۹۰درصد پرونده‌ها در این شوراهام مورد رسیدگی قرار گیرد.

همکاری بیش از ۳هزار قاضی با شوراهای حل اختلاف کشور

■ **تیر ۹۰**، معاون اداری-مالی مرکز امور شوراهای حل اختلاف کشور گفت: در زمان حاضر سه‌هزار و ۳۰۰ قاضی با شوراهای حل اختلاف کشور همکاری می‌کنند. «عبدالحسین قرمداغی» افزود: پارسال ۷۲نفر از زندانیان مرده‌ای حل اختلاف با همکاری و مشارکت‌های مردمی از زندان آزاد شدند. وی به ساماندهی اجرای احکام در شوراهای حل اختلاف اشاره و خاطر‌نشان کرد: پس از نظرسنجی از ۲۵ استان کشور «به دستور رییس قوهقضاییه» مقرر شد که اجرای احکام در شوراهای حل اختلاف رسیدگی شود.

تنها ۲۰درصد پرونده‌های شورای حل اختلاف ختم به صلح می‌شوند

آمنه شیرافکن

رییس مرکز شورای حل اختلاف قوهقضاییه تاکید دارد تنها دو درصد شهروندان از عملکرد شوراهای حل اختلاف گله دارند اما نتایج تحقیقی در مرکز پژوهش‌های مجلس نشان می‌دهد مردم چندان سودی از فعالیت شوراهای حل اختلاف نبرده و در مواردی نیز منافع‌شان با تهدید مواجه است. همچنین آمار انتشار یافته در گزارش‌های رسمی قوهقضاییه نشان می‌دهد از کل پرونده‌های ورودی به شوراهای حل اختلاف تنها ۲۰درصد پرونده‌ها به صلح ختم می‌شود و مهم‌تر اینکه مشخص نیست از میان پرونده‌های وارده به شوراهای حل اختلاف اغلب چه موضوعاتی منجر به صلح شده و آیا تخلفات راهنمایی و رانندگی نیز در زمره پرونده‌های منجر به صلح به شمار می‌آید یا خیر. براساس آمار، ۴۰درصد از پرونده‌های مطرح‌شده در شوراهای حل اختلاف مربوط به اعتراض به برگه جریمه رانندگی می‌شود.

در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس آمده که ادامه وجود شوراهای حل اختلاف با کیفیت موجود، باعث مشکلات فراوانی برای مردم و حکومت اسلامی خواهد شد به همین دلیل پیشنهاد می‌شود که با برگرداندن شورها به فلسفه اصلی وجودی آن که برقراری صلح و سازش میان مردم است، به وضع موجود رسیدگی شده و در سایر موارد که ماهیت قضایی (هرچند جزئی) دارد، بررسی امور به دادگاه سپرده شود. **غیرفعال بودن ۳۵درصد از شوراهای حل اختلاف** همچنین کارنامه شوراهای حل اختلاف از بدو تشکیل تاکنون نشان از آن دارد که تا پایان شهریورماه سال ۱۳۸۷ تعداد شوراهای متشکله در سراسر کشور معادل ۲۴هزارو۵۳۶۵۷۹۰ نفر بوده که از این عدد، تعداد ۱۵هزارو۷۴۸۰۰۰ (معادل ۶۵درصد آن) فعال و تعداد هشت‌هزارو۶۱۷۰۰۰ (معادل ۳۵درصد آن) غیرفعال‌اند. آمار مربوط به رضایت از شوراهای حل اختلاف از ۸۰درصد وزارت دادگستری آغاز می‌شود و به رقم ۷۲درصدی رییس شوراهای حل اختلاف می‌رسد.

شورای حل اختلاف: تشکیلات موازی در دستگاه قضایی

در همین حال خلیل حیات‌مقدم، عضو کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس هشتم درباره تشکیل شوراهای حل اختلاف معتقد است ایجاد شوراهای حل اختلاف تشکیلات موازی را در دستگاه قضایی به وجود آورده است. چنانچه قاضی وظیفه حل اختلاف را طبق قانون بر عهده دارد ولی با ایجاد تشکیلاتی جداگانه و موازی به نام شوراهای حل اختلاف این وظیفه تخصصی بر عهده افراد غیرمتخصص گذاشته شده است.

به گفته وی، شوراهای حل اختلاف می‌توانند در امر رسیدگی به قضات کمک قابل توجهی کنند ولی موضوعی که در قانون شوراهای پیش‌بینی شده این است که در نهایت تصمیم آخر را باید شخص قاضی بگیرد، از این رو شوراهای حل اختلاف علاوه بر اینکه به قضات در کاهش صرف وقت کمک نمی‌کنند، بلکه قضات مجبور هستند نیمی از وقت روزانه کاری خود را هم صرف تصمیمات نهایی برای صدور رای در شوراهای حل اختلاف کنند.

تخلف از شش اصل قانون اساسی

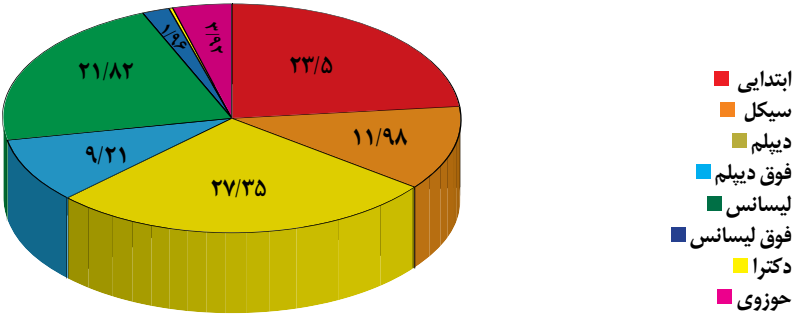
با بررسی قانون و آیین‌نامه‌های شوراهای حل اختلاف، مشکلات و نقاط ضعف حقوقی بسیاری به چشم می‌خورد که بسیاری از آنها ناظر به مفاد قانون شورها یا آیین‌نامه آن می‌شود.

مواردی همچون مشکلات ناظر به محدوده صلاحیت این شورها، ارتباط آنها با مراجع قضایی و شرایط عضویت در این شورها از این جملاتند. از دیگر مسائلی که در بخش نقد و بررسی گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس به آن اشاره شده است، می‌توان به برخی تخلف‌های قانونی اشاره کرد. تخلف از اصل یک‌صد و شصت و یکم قانون اساسی یکی از این موارد است. براساس این اصل قانونی به منظور نظارت بر اجرای

صحیح قوانین در محاکم و ایجاد وحدت رویه قضایی از نهادهی به نام دیوان‌عالی کشور یاد می‌کند و جای این سوال مطرح است که اگر شورها صلاحیت صدور حکم دارند، که مطابق قانون از چنین حقی برخوردارند، دیوان‌عالی کشور چگونه و با چه مکانیسمی در احکام صادرشده از سوی شورها اعمال مسوولیت‌خواهد کرد؟

همچنین تخلف از اصل سی و ششم قانون اساسی نیز در بررسی حقوقی این شورهاها مشاهده می‌شود. چنانچه براساس اصل سی و ششم، حکم به مجازات تنها در صلاحیت دادگاه‌هاست، اما شوراهای حل اختلاف به موجب اختیارات محول‌شده، صلاحیت مجازات مجرمان و به کیفر رساندن آنان را پیدا کرده‌اند. تخلف از اصل یک‌صد و پنجاه و هشتم از دیگر مواردی است که می‌توان به آن اشاره کرد. تخلف از اصل یک‌صد و پنجاه و نهم قانون اساسی نیز از دیگر تخلفات ثبت‌شده در میان تخلفات حقوقی شوراهای حل اختلاف است. اصل صدونجاهونهم قانون اساسی مقرر می‌کند که مرجع رسمی تظلمات و شکایات دادگستری است. تخلف از اصل سی و چهارم نیز بر این نکته تاکید دارد که براساس این اصل دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع کند. همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند. حال این سوال مطرح می‌شود که الزام شهروندان به رجوع و درخواست دادخواهی از شورای حل اختلاف که از

تنها ۲۶/۴۰ کارمندان شوراهای حل اختلاف دکتر دارند



دردهای ناگفته شوراهای حل اختلاف

در راستای اجرای آن اسناد، «قانون شوراهای حل اختلاف» در تاریخ ۲۹ اردیبهشت سال ۸۷ تصویب و آیین‌نامه اجرایی آن به تاریخ ۱۶ فروردین ۸۷ تهیه و تدوین شد. صرف نظر از انتقادات و ایرادات مختلفی که بر قانون و آیین‌نامه اجرایی شوراهای حل اختلاف وارد دانسته‌اند، نهاد شوراهای حل اختلاف کنونی در عمل دارای ایرادات قابل تامل فراوانی است از جمله:

۱-عدم تخصص لازم و آگاهی کافی اعضای محترم شوراهای حل اختلاف از قوانین و موازین حقوقی. در انتخاب اعضای شوراهای هرگز دقت و مراقبت کافی آنچنان که در انتخاب قضات و کارمندان دادگستری با آنچنان که در قانون شوراهای حل اختلاف مقرر است، به کار برده نمی‌شود و در عمل مشاهده می‌شود که اکثر اعضای شوراهای از کمترین سطح آگاهی حقوقی و بعضا علمی برخوردارند و صرفا با یک معرفی‌نامه کار خود را آغاز و برای دریافت ابلاغ مخصوص، پس از آغاز کار مدارک خود را به مراجع مربوطه ارسال و تحویل می‌کنند؛ زمانی که عملا زمام امور را در دست گرفته و مدت‌ها مشغول به فعالیت بوده‌اند. همچنین و در کنار این موضوع بسبب رایج و آشکار، عدم وجود سازوکار مناسب در جهت آموزش و به روزرسانی اطلاعات حقوقی اعضا و کادر اداری شورها، موجب نهادهی شدن این مغزل شده است. از سوی دیگر و به علت عدم پیش‌بینی دایره ارشاد و معاضدت قضایی در شورها و در نتیجه عدم آگاهی مردم و مراجع به حقوق خود، اکثر مراجعان برخی از اقدامات غیرتخصصی و غیرقانونی اعضا را مقرون به صحت دانسته و به آنها عمل می‌کنند.

۲-کثر قضات مشاوره که در شورها قبول زحمت کرده‌اند دایاران یا باز پرسان کفیری کار حوزه قضایی مربوطه هستند و معمولا نحوه برخورد ایشان با مراجعانی که اغلب اختلافات‌شان ریشه حقوقی داشته و با هدف صلح و سازش یا دست کم به این امید به شورها آمده‌اند، معمولا به همان

حقوق

پیشنهاد مرکز پژوهش‌های مجلس برای پایان دادن به فعالیت شورای حل اختلاف

تنها ۲۰درصد پرونده‌های شورای حل اختلاف ختم به صلح می‌شوند

آمنه شیرافکن

افراد کم‌تجربه قضایی تشکیل می‌شود، برخلاف این اصل نیست؟ تخلف از اصل ۱۶۳ نیز خاطرنشان می‌کند که ماده ۹ قانون شوراهای حل اختلاف شرایط عضویت در شورای حل اختلاف برای تصدی امر قضا، به غیر از یک رشته امور کلی مانند داشتن تابعیت ایرانی و انجام خدمت وظیفه، از جهت صلاحیت علمی موضوع آشنایی با مسایل شرعی و قانونی را بسننده کرده است. از جهت مبانی مسلم فقهی و اصول حقوقی اینکه فردی آشنایی با مسایل شرعی و قانونی داشته باشد، هرگز مجوز دخال و تصدی او در امور حساس قضاییست. اما در مورد تخلف از اصل یکصد و شصت و چهارم نیز باید گفت که قاضی بر پایه اصول قانون اساسی به گونه دایمی منصوب می‌شود و به همین دلیل اصل یکصد و شصت و چهارم قانون اساسی می‌گوید: «قاضی را نمی‌توان از مقامی که شاغل آن است بدون محاکمه و ثبت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است، به طور موقت یا دایم منفصل کرد.» اما درمورد اشخاصی که تخصص لازم را ندارند و برای مدت سه

سال به این منصب گماشته می‌شوند، چگونه می‌توان مسوولیت آنان را پذیرفت؟ و این سوال مطرح است که تکلیف شهروندانی که در امر قضا دچار زیان می‌شوند، چیست و برای جبران زیان باید به کجا رجوع کنند. **۲۴درصد از اعضای شورای حل اختلاف مدرک دیپلم و پایین‌تر از دیپلم دارند**

براساس آمار گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس ۶۲درصد از اعضای شورای حل اختلاف دارای مدرک دیپلم و پایین‌تر از آن هستند و این در حالی است که در مواد ۸ و ۹ قانون شوراهای حل اختلاف، به این افراد صلاحیت رسیدگی به امور قضایی اعطا شده است. طبق قانون و آیین‌نامه شوراهای حل اختلاف در صورتی که موضوع پرونده مطروحه از مواردی باشد که در صلاحیت شوراهای حل اختلاف شمرده شده باشد، دادگاه‌ها نمی‌توانند به آن رسیدگی کنند و در نتیجه مردم باید الزاما به افرادی رجوع کنند که از باب اطلاعات حقوقی صلاحیت لازم را جهت اعمال قضاوت بر آنها ندارند. این در حالی است که از منابع فقهی تاکید بسیاری بر لزوم داشتن اطلاعات علمی و فقهی کافی جهت قضاوت شده است. از جمله آنکه مولف کتاب شرایع الاسلام در باب مشروط قاضی می‌گوید: «قاضی باید دارای علم و به گونه مستقل توانایی صدور فتوی داشته باشد و کافی نیست فتاوی علما را بدارد.» شهیدثانی مولف کتاب «مسالكالفهم» در شرح این نظر می‌افزاید: «هراد از عالم در اینجا مجتهد در احکام شرعی است و بر اجتهاد و در قاضی،

بر اساس گزارش شوراهای حل اختلاف، به ازای هر پرونده مطرح‌شده در شوراهای حل اختلاف در شش‌ماه اول سال ۱۳۸۷ معادل ۹۲هزارو۲۶۰۰۰، رایال هزینه شده و هزینه دادگستری برای هر پرونده آن هم در سال ۱۳۸۶ معادل ۸۵هزاررایال بوده است و این موضوع در حالی است که طبق آمار آرایشه‌شده در این گزارش تعداد پرونده‌های مطرح‌شده در سال ۱۳۸۶ در دادگستری حدود ۶۶۵۰/۰۰۰ بوده است و اگر هزینه‌های این پرونده‌ها را بخوایم در مجموع محاسبه کنیم، مبلغ ۶۵۲۵۰/۰۰۰میلیارد تومان می‌شود و این در حالی است که کل بودجه دادگستری جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۸۶ حدود مبلغ یکصدمیلیارد تومان یعنی کمتر از یک‌پنجم مبلغ مذکور بوده است.

۴۰درصد از پرونده‌ها: اعتراض به جریمه رانندگی

در بند دیگر این قسمت از گزارش مطرح شده است، جهت رسیدگی پرونده‌های وارده به شورا در صورت عدم فعالیت شورا به حدود پنج‌هزار قاضی نیاز است و این تخمین در حالی است که پیش‌بینی شده، هر قاضی در سال به تعداد ۸۷۵ پرونده رسیدگی کند، اما در واقع میزان رسیدگی قضات به پرونده مطروحه در دادگستری بیش از این تعداد است. در سال ۱۳۸۷ تعداد هشت‌میلیون فقره پرونده وارد دادگستری و همین تعداد پرونده نیز مختمومه شده است. با توجه به این مطلب که تعدادی از قضات در دیگر نهادهای تابعه از جمله حوزه‌های ستادی و سازمان‌های وابسته به قوهقضاییه، مشغول به فعالیت هستند، می‌توان گفت هر قاضی در مرحله بدوی به حدود هزار و ۶۰۰ فقره پرونده رسیدگی می‌کند. البته باید این موضوع را هم مورد توجه قرار داد که پرونده‌هایی که در شوراهای حل اختلاف رسیدگی می‌شوند غالبا از ماهیت قضایی سادای برخوردار هستند کمااینکه طبق بیان رییس مرکز شورای حل اختلاف حدود ۴۰درصد پرونده‌های مطرح در شورای حل اختلاف درخصوص اعتراض به برگه‌های جریمه راهنمایی و رانندگی است که رسیدگی به این موضوعات برای قضات کار بسیار سهل وغیر وقت‌گیر است و با این نگاه حتی به تعداد سه‌هزار قاضی هم نیاز نخواهد بود.

دردهای ناگفته شوراهای حل اختلاف

شیوه‌های سنتی و حرفه‌ای‌شان است. به این طرز تفکر غالب قضات محترم شورها باید خستگی ناشی از کار طاقت‌فرسای روزانه‌ای که در دادسراها و در برخورد با مجرمان دارند را اضافه کرد و در نهایت خواهید فهمید که چرا نحوه برخورد با مراجعان به شورها هرگز آن طوری که انتظار آن را دارند، نیست. قطع نظر از نحوه برخورد و ادبیات قابل نقد باید اختلاف وقت و معطلی فراوان ایشان را به علت عدم وجود زیربناها و امکانات سخت‌افزاری مناسب به نسبت تعداد کثیر مراجعان و نیز مواجه شدن با احکام و دستورات عجیب و گاهی غیرحقوقی شورها به علت همان خستگی و فشرده‌گی کار و در نتیجه پایین آمدن دقت قضات مشاور را، از جمله مهم‌ترین دلایل عدم رضایت قبلی مردم از کارکرد شوراهای دانست. مجانی بودن و حضور رایگان اعضا در شورها خود به تنهایی می‌تواند منشا مشکلات عدیده‌ای باشد؛عدم سازگاری روند رسیدگی‌ها و نتایج آنها با آنچه مراجعان در ابتدا انتظار داشته و پیش‌بینی کرده‌اند؛ از شایع‌ترین مشکلات شوراهاست به نحوی که اغلب مراجعه‌کنندگان در ابتدا و با فرض حل و فصل اختلافات‌شان به نحو مسالمت‌آمیز و با صلح و سازش و خارج از تشریفات نفس‌گیر قانونی یا به شوراهای می‌گذارند اما در عمل خود را در مقابل حکم قضایی صادرشده شوراهای می‌بینند. این موضوع و عدم سازگاری احکام صادره شوراهای صلح و سازش در واقع نوعی نقض غرض وجودی شوراهای حل اختلاف و فراموش کردن هدف اصلی آنهاست. علاوه بر ایرادهای بیان‌شده و نواقص عملی موجود در شوراهای حل اختلاف، که در اینجا تنها گوشه‌ای نشان همسود است، که نهاد قضایی (یا دست کم شبه‌قضایی) به مردمی حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بدون تحکمه‌ها و اجبارهای بهیوده قضایی بدانیم، با این پرسش رویه‌رو خواهیم شد که آیا واقعا و در عمل شوراهای حل اختلاف در این راه گام نهاده و طی طریق می‌کنند؟

انتقادی که به شوراهای حل اختلاف وارد است

علیرضا دقتی

■ **آمار** ورودی پرونده‌ها به سیستم قضایی، به قدری بالا بود که دستگاه قضا، مجموعه‌ای تحت عنوان شوراهای حل اختلاف را بدون مجوز قانونگذار و به صرف یک بخشنامه، تشکیل و دستگاه عریض و طویلی را بر این دستگاه اضافه کرد به امید آنکه میزان ورودی پرونده‌ها را بکاهد و بعدها مقررات این شورا به قانونی تبدیل شد که هم‌اکنون مجری است. بی‌آنکه توجه نشود، تغییر اسم و عنوان و شیوه رسیدگی، آمار را بالا نمی‌برد. به‌هر حال شورای حل اختلاف،تشکیل شد اما ادامه کار شورا همچنان مورد اقبال نیست و تجدید ساختار را می‌طلبد و تجدید ساختار هم الزام در رسیدگی قضایی دارد و اگر چنین شود حاصل آن خواهد شد که روی به انحلال شورا بیاوریم. حال باید دید علل ناکامی‌ها‌در چیست؟

در ساز و کار تعبیه شده در نظام قضایی اسلامی و نیز در ساز و کار بین‌المللی اصل بر حل و فصل دعاوی و اختلافات بر مبنای غیرقضایی است. وکلا در مناسبات خود مکلف هستند طرفین دعوا را به صلح و سازش دعوت کنند و قضات دادگاه‌ها نیز چنین تکلیفی براساس قانون اصلاح پارهای از مقررات دادگستری مصوب قبل از انقلاب، بر عهده دارند. قانون آیین دادرسی مدنی، فصل نهم خود را در ۱۶ ماده و دو مبحث به سازش اختصاص داده است و قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مداه‌ای را به قضاوت تحکیمی اختصاص داده‌است به نحوی که طرفین می‌توانند قبل از حدوث اختلاف قاضی تحکیمی خود را انتخاب و حل و فصل دعاوی خود را به واسطه قضاوت غیردولتی حل و فصل کنند و به دگر سوی، براساس باب هفتم قانون آیین دادرسی مدنی، تمامی اشخاصی که اهلیت اقامه دعوا دارند می‌توانند با تراضی یکدیگر منازعه و اختلاف خود را، از خواہ در دادگاه طرح شده یا نشده باشد و در صورت طرح در هر مرحله‌ای از رسیدگی باشد، به دآوری یک یا چند نفر ارجع دهند. همین روال بر امور تجاری نیز سایه سنگین افکنده است و روزانه هزاران رای دآوری در ایران و سایر کشور‌های دنیا با رسیدگی دقیق، صادر و اجرا می‌شود. و در بسیاری از قرار دادهای دولتی نیز حل و فصل اختلافات براساس ارجاع به دآوری، پیش‌بینی شده است و حتی قضات دادگاه‌ها از رسیدگی به اموری که ارجاع امر به دآوری در قرار دادهای فی‌مابینی پیش‌بینی شده است، منع نشده‌اند و... حال باید دید، باوجود این پیش‌بینی‌ها و نیز ذاتیت کار صلح و سازش، که منع دخالت دولت در امر سازش را می‌طلبد، می‌توان این وظیفه را بر دوش دستگاه قضا گذاشت و



به هزینه‌های آن افزود؟ در حالی که با دخالت دستگاه قضا باید اصول مهم‌تری چون اصل بی‌طرفی، استقلال نه‌اسدی، حق برگزاری دادرسی منصفانه و صدور احکام معقول و مستدل، صلاحیت حرفه‌ای، پاسخ‌گویی قضا، حق برخورداری از محاکمه در زمان معقول یا از آزادی تا زمان محاکمه، حق تعیین تکلیف سریع و بدون تاخیر حبس‌شدگان، دادرسی منصفانه (با حق برابری در پیشگاه قانون و رفتار برابر توسط قانون، با حق فرض بر بی‌گناهی افراد و تضمین کامل برائت یا عدم سوظن به محکومیت، با حق احترام به حریم خصوصی، خانه و ارتباطات فرد، نشوند، احکام بازرسی، با حق تفهیم اتهامات به زمانی که می‌فهمد، با حق سکوت و عدم اجبار برای اقرار علیه خود، وظیفه ثبت بازجویی، حق برخورداری از زمان و تسهیلات کافی جهت آمادگی برای دفاع، با حق برابری و دادرسی متناظر و دسویه، با حق دادرسی علنی و رای علنی، حق برخورداری از ارتباط محرمانه با وکیل، حق استیناف و تجدید نظر، رعایت شهود و رعایت این امور در مجموعه‌ای که آموزش‌های لازم را ندیده‌اند کاری است بس مشکل. با همه این گنگتارها، آیا قانونگذار می‌توانست به این نتیجه برسد که به شوراهای حل اختلاف نیازمندیم؟ و اینکه حل اختلاف توسط افرادی انجام شود که خود منتصب از ناحیه دولت باشند؟ آیا با ذاتیت ساز و کار حل اختلافات غیرقضایی، سر‌نا سازگاری نخواهد داشت؟

مختمومه شدن بیش از ۴میلیون پرونده در شوراهای حل اختلاف کشور

■ **فارس:۴ دی ۹۰**، رییس شورای حل اختلاف کل کشور از مختمومه شدن چهارمیلیون و ۲۰۰هزار پرونده در سال ۸۹ در شوراهای حل اختلاف سراسر کشور خبر داد. محمد مهدی احمدی‌میناجی رییس شوراهای حل اختلاف سراسر کشور گفت: شورای حل اختلاف برخلاف آنچه برخی تصور دارند نه تنها مشکلی برای دستگاه قضا ایجاد نکرده بلکه بار بزرگی را هم از دوش قوهقضاییه برداشته است. در سال ۸۹ همه شوراهای حل اختلاف در سراسر کشور به بیش از چهارمیلیون و ۲۰۰هزار پرونده رسیدگی کرده‌اند که از این تعداد ۱۸۰ مورد توسط طرفین درگیری مورد اعتراض قرار گرفت و مابقی بدون اعتراض مختمومه شد.